

شرحی بر نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر

علی علیه السلام پس از آشفته شدن اوضاع مصر، مالک را به کوفه فراخواند. مالک اشتر، شیب بن عامر ازدی را جانشین خود در نصیبین نموده، نزد علی علیه السلام آمد. امیرالمومنین او را به مصر اعزام کرد و برای وی دو نامه نوشت:

۱- نامه ای به مردم مصر که در آن مالک را معرفی کرده بود. در بخشی از این نامه آمده است:

اما بعد، بی تردید به جانب شما بنده ای از بندگان خدا را اعزام کردم که در روزهای ترسناک نمی خوابد و در اوقات بیم و هراس از دشمنان رو بر نمی تابد. بر بدکاران از آتش سوزان سخت تر است؛ او مالک پسر حارث، برادر مَدْحِج است. سخنش را بشنوید و فرمانش را در آنچه مطابق حق است مطیع و پیرو باشید؛ زیرا او شمشیری از شمشیرهای خداست که تیزی آن به کندی نمی گراید و ضربه ی آن بی ثمر نمی گذارد.

۲- عهدنامه مشهوری که در آن دستورهای حکومتی و اجتماعی مطرح شده و این مقاله در آن باره است.

مالک به جانب مصر حرکت کرد، اما در عریش، به وسیله ی معاویه مسموم شد. شهادت وی در سال ۳۸ قمری شادی معاویه و مردم شام را در پی داشت و باعث تاسف و اندوه فراوان علی علیه السلام و مردم کوفه گردید.

سخنان علی علیه السلام در شهادت مالک

امیرالمومنین در فقدان مالک فرمود:

خداوند مالک را جزای خیر دهد، اگر از کوه بود، از پایه های بزرگ آن به شمار می رفت و اگر از سنگ بود، سنگی سخت و استوار بود. آگاه باشید! به خدا سوگند که مرگ تو عالمی را ویران می کند، بر مردی که مانند مالک باید گریه کنندگان بگریند.

سپس فرمود:

ما از خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم و ستایش و حمد برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. خداوند! اجر صبر بر مصیبت مالک نزد تو است زیرا مرگ او از مصیبت های روزگار است. خدا مالک را پیامرزد که به عهد خود وفا کرد و مدتش را به پایان رسانید و پروردگار خود را ملاقات کرد. با این که ما با خود تعهد کردیم که پس از مصیبت رسول خدا بر هر مصیبتی شکیب باشیم، زیرا آن بزرگ ترین مصیبت بود؛ ولی مصیبت فقدان مالک ما را ناراحت و غمگین کرد.

و این گونه علی علیه السلام یکی از بهترین یاران خود را از دست داد، رحمت خدا بر او باد. (ذاکری، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۸)

ضرورت خودسازی:

دین عامل بسیار مهم مهار قدرت و جلوگیری از فساد سیاسی - اجتماعی است. این از آن روست که عمل به احکام اسلام موجب سعادت دنیا و آخرت انسان است. اگر زمامدار و رئیس کشور، مؤمن و متدین به آیین اسلام باشد، ایمان و تدین او مانع استبداد می گردد. اسلام بر تربیت اخلاقی، تقوا و خودسازی زمامداران و مدیران جامعه تأکید بسیار دارد؛ چون ابزارهای قدرت و فرمان روایی بیش تر در اختیار حاکمان قرار دارد و از این رو، نیاز آنها به تربیت اخلاقی و سیاسی نیز افزون تر است. (احسانی، ۱۳۸۹)

۱- یاد خدا

خدا محوری آثار متعددی همچون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الی الله دارد که هر یک به لحاظ تربیتی بسیار مهم است؛ زیرا هدف عالی در تربیت اسلامی رسیدن به مقام قرب الهی می باشد. علاوه بر این، اگر مدیران و سیاست گذاران جامعه بر اساس خداباوری و حق مداری حرکت کنند و در راه خدا قدم بردارند، خداوند محبت آنها را در دل مردم جای می دهد. علی (علیه السلام) نیز به این امر اشاره دارد:

«هر که آنچه را بین او و بین خداست اصلاح کند، خداوند آنچه را بین او و بین مردم است به صلاح می آورد.»

یاد خدا و توجه به او نیرویی است که همواره انسان را در لغزشگاهها و خطرات حفظ می کند. حضرت علی (علیه السلام) بدین دلیل، در دستور العمل خود به مالک اشتر فرمان می دهد:

«خداوند سبحان را با قلب و دست و زبان یاری نما؛ زیرا خدای بزرگ یاری و عزت کسی را که یاری اش کند و عزیزش بدارد تضمین کرده است.»

«و مبادا خود را برای جنگ با خدا آماده سازی که تو را توانایی خشم او نبوده از بخشش و مهربانیش بی نیاز نیستی.»

۲- فروتنی در برابر خدا

«پس برای خدایی که تو را آفریده، فروتنی کن.»

۳- پیروی از الگوهای ارزشمند پیامبر اسلام و ائمه (ع)

«و برگزیدن فرمان او و پیروی از آنچه در کتاب خود به آن امر فرموده از واجبات و مستحبات که کسی نیکبخت نمی‌شود مگر به پیروی از آنها و بدبخت نمی‌گردد جز به زیر بار نرفتن و تباه ساختن آنها»

«پس اگر در حکمی اختلاف پیدا کنید به خدا و رسولش رجوع نمایید، پس رجوع به خدا فرا گرفتن محکم از کتاب او می‌باشد و رجوع به رسول فراگرفتن سنت او است.»

۴ - تسلط بر هوای نفس

حضرت مسأله مخالفت حاکم با هوای نفس و تحت کنترل داشتن آن را به مالک اشتر چنین تأکید می‌فرماید: «پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد. هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال نیست بپرهیز؛ زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد یا برای او خوشایند است، راه انصاف پیمایی.»

«و او را امر می‌فرماید که نفس خود را هنگام شهوات و خواهش‌ها فرونشاند و هنگام سرکشی‌ها آن را باز دارد»

«و بر هوا و خواهش خود مسلط باش و به نفس خویش از آنچه برایت حلال و روا نیست بخل بورز زیرا بخل به نفس، انصاف و عدل است از او در آنچه او را خوش آید یا ناخوش سازد.»

تقوای مورد نظر علی علیه السلام عبارت است از این که انسان در روح خود حالت و قوتی ایجاد کند که مصونیت یابد به گونه ای که اگر وسایل و موجبات گناه و لغزش برای او فراهم شد آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ کند و مانع شود که آلودگی پیدا کند.

۵ - توجه به نماز، مرگ، معاد و محاسبه

از دیگر مصادیق ویژگی تقوای امام، توجه مدام حاکم به مسأله اقامه نماز و انجام واجبات شرعی اوست، حاکم با تمرین عملی عبادی خود ویژگی تقوا را در خود تقویت نموده در اداره امور کشور از آن بهره گیرد. در این مورد در نامه ای به مالک اشتر چنین می‌گوید: «نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن اگر چه همه وقت برای خداست، اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده و آن چه تو را به خدا نزدیک می‌کند بی‌عیب و نقصان انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی.» (بصیری، ۱۳۸۹)

بدین روی، سیاستمداران نظام اسلامی باید به گونه ای تربیت شوند که ویژگی خداباوری در قلب و روح آنان رسوخ کند تا تمام کارهایشان جهت‌ی الهی به خود بگیرد.

اخلاق رهبری:

در این بخش با توجه به محتوای نامه، اخلاق رهبری را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم:

الف: اخلاق اختصاصی رهبری:

۱- توانایی و سیاست

یکی از مهمترین ملاکهای انتخاب کارگزاران در حکومت اسلامی به نظر امام علی (علیه السلام) افزون بر ویژگیهای فردی و کمالات نفسانی، داشتن تخصص و مهارت لازم در انجام وظیفه مربوطه است. یعنی کارگزار بر اثر برخورداری از علم و دانش مورد نیاز در حوزه کاری خود، بتواند مأموریت محوله را به بهترین وجه به سرانجام برساند. (احسانی، ۱۳۸۹) امام علی (علیه السلام) در توصیه‌هایش به مالک می‌فرماید:

«ای مالک! از افراد با تجربه و با حیا از خانواده‌های پاک و شایسته و با سابقه در اسلام برای اداره کشور استفاده کنی.»

از مصادیق زیرکی حاکم، تشخیص زمان انجام هر کاری است؛ او باید از شتابزدگی و سستی اجتناب نماید. چه در تصمیم‌گیری و چه در اجرای امور؛ یعنی پیش از فراهم شدن اسباب لازم، شتاب نورد و به هنگام امکان عملی امور فرصت را از دست ندهد. امام علیه السلام در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز از کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمال‌گری کارهایی که وقت انجام دادنشان فرا رسیده است، از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن در کارها آن هنگام که راه عمل روشن شده است. پس هر امری را در جای خویش قرار ده و هر کاری را به موقع خود به انجام رسان.»

۲- شناخت مردم

یکی دیگر از ویژگی‌های حاکم، شناخت دقیق مردم و حفظ اسرار و پوشاندن عیوب و کاهش دشمنی و اختلافات آن‌ها می‌باشد که حاکم با سیاست باید افراد سخن‌چین و عیب‌جو را از دیگر افراد تشخیص دهد و در این وادی گرفتار نشود. در این مورد نیز امام علیه السلام به مالک اشتر می‌نویسد: «از رعیت آنان را که عیب‌جوترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبادا آن‌چه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آن‌چه هویداست بپوشانی که داوری در مورد آن‌چه از تو پنهان است با خدای جهان است پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا آن‌را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند. گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن و از آن‌چه که در نظر روشن نیست کناره بگیر. در تصدیق سخن‌چین شتاب مکن، زیرا سخن‌چین‌گر چه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود اما خیانتکار است.» پس از مصادیق زیرکی و سیاست حاکم پرهیز از سستی، رازدار مردم بودن و شناخت مردم می‌باشد.

۳- علم و دانش

در احادیث اسلامی همواره تأکید شده است که در انتخاب افراد به صلاحیت علمی و توانایی آنها دقت و توجه بیشتری شود و هرگز کسانی را که از نظر علمی ضعیفند و آگاهیهای لازم را ندارند بر کاری نگمارند زیرا که چنین کاری بزرگترین خیانت به جامعه اسلامی است. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه، خطبه می فرماید: «ای مردم همانا سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و زمامداری) کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل باشد»

۴- تجربه کاری

یکی از مؤثرترین عوامل موفقیت کارگزار و مدیر در تشکیلات و سازمان، تجربه و سابقه کاری وی می باشد. مدیر و مسئول باتجربه، بسیاری از نابسامانی های سازمان خود را سامان می دهد و بالعکس مدیر و مسئول بی تجربه و بدون سابقه، تشکیلات سازمان یافته را متلاشی و پراکنده خواهد نمود. امام علی(ع) در نامه به مالک اشتر می فرماید: «افراد با تجربه را به عنوان کارگزار انتخاب نما»

۵- شایستگی و کفایت

در آئین اسلام مسند مدیریت شایسته کسی است که قدرت استفاده از ایمان و تخصص را در مقام اجرا داشته باشد. امیرالمؤمنین در نامه به مالک اشتر، یکی از شرایط واگذاری مسئولیت ها را «کفایت» می داند و می فرماید:

«ای مالک در به کارگیری کارمندان و کارگزارانی که باید زیر نظر تو کار کنند هیچ گونه واسطه و شفاعتی را نپذیر مگر شفاعت «کفایت» و امانت را» .

۶- داشتن پشتکار و دوری از تنبلی

سستی در انجام دادن امور موجب زیر پا گذاشتن حق و عدم اجرای به موقع کارها و تضییع حقوق مردمان است. کندی در کارها فرصت های خیر و غیر قابل بازگشت را از بین می برد و به هیچ وجه نباید در گردش امور سستی و کندی و کاهلی راه یابد و این امر باید با دقت های لازم عجین و همراه شود. امیرالمؤمنین علی(ع) چنین سفارش کرده اند: «در کارهای خود بر افراد سست و تنبل تکیه مکن»

۷- تند ذهنی و داشتن حافظه قوی

مدیر و مسئول باید دارای حافظه قوی و ذهنی توانمند باشد تا پرداختن به یک مسئله او را از سایر مسائل غافل نکند و پیچیدگی و حجم کارها، او را به فراموشی و اشتباه نیندازد. حضرت علی (ع) در نامه به مالک

اشتر چنین فرموده است: «کسی را برگزین که در رساندن نامه کارگزارانت به تو یا رساندن پاسخ های تو به آنان کوتاهی نکند و در آنچه برای تو می ستاند یا از طرف تو به آنان تحویل می دهد، فراموشکار نباشد».

۸- داشتن قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل

امام علی(ع) در انتخاب مدیران کشور، به مهارت ادراکی و تشخیص و تجزیه و تحلیل مسائل آنان توجه کامل داشت و مدیرانی را بر می گزید که در بحران های پیش آمده خود راه حل مناسب را بیابند. لذا در معرفی مالک اشتر به دیگر فرماندهان نظامی به مهارت ادراکی و تشخیص و تجربه و تحلیل مسائل توسط مالک اشتر، اشاره می فرماید: «من مالک اشتر پسر حارث را بر شما و سپاهیان که تحت امر شما هستند فرماندهی دادم، گفته او را بشنوید و از فرمان او اطاعت کنید او را مانند زره و سپر نگهبان خود برگزینید زیرا که مالک نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می شود، نه در آنجایی که شتاب لازم است کندی دارد و نه آنجا که کندی پسندیده است، شتاب می گیرد»

۹- بلندی همت

هر چه انسان از همت والاتری برخوردار باشد، فعالیت و کارهای بیشتر و چشمگیری انجام می دهد و کار گزار بلند همت در کارها و مسئولیت هایی که بر عهده گرفته است، بسیار موفقتر از دون همتان می باشد و اصولاً ارزش انسان بسته به همت اوست. حضرت علی(ع) در نامه خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «با بلند همتان بییوند»

۱۰- استقامت در برابر مشکلات

مدیر و مسئول مشاغل کلیدی باید در برابر فشار کار و دشواری ها و فراز و نشیب های شغلی و تلخی ها و سختی های آن چون کوه استوار و با استقامت و دارای عزم و اراده پولادین باشد. حضرت علی(ع) در این مورد در نامه مالک اشتر فرموده اند: «پس برای مشاغل کلیدی از سپاهیان و لشگریان خود کسی را انتخاب و مسئول بنما که در برابر دشواری ها و پیش آمدهای سخت و تلخ استوار باشد و مصیبت های بزرگ وی را از پا نماند. فردی باشد که هنگام ناتوانی و ضعف دیگران بر او ضعف و ناتوانی غالب نشود و بر اثر بی خیالی دیگران بی تفاوت نگردد»

۱۱- قاطعیت

قاطعیت و پرهیز از شک و تردید از لوازم و شرایط اصلی موفقیت مدیر است و پس از بررسی جوانب مختلف قضیه و مشورت با صاحب نظران، قاطعیت در اجرای تصمیم و اجرای آن ضرورت دارد. دو دلی و عدم قاطعیت مدیر باعث می شود که تردید و ابهام و سردرگمی در همه بدنه سازمان سرایت کرده و کارها در زمان مناسب به انجام نرسد و سازمان به اهداف مورد نظر نرسد. امام علی(ع)، از شک و تردید بی مورد نهی

کرده و می فرماید: «علم خود را به جهل و یقین خویش را به شک تبدیل نکنید، وقتی دانستید عمل کنید و زمانی که یقین کردید، اقدام نمایید»

۱۲- شجاعت

شجاعت یکی از صفات مهم برای مدیران می باشد تا بتوانند از حق دفاع نمایند و علیه خلاف و ناحقی مبارزه نمایند. حضرت علی(ع) در نامه به مالک اشتر، به او می فرماید که به اهل شجاعت بپیوند و آنها را به عنوان کارگزار انتخاب نماید: **ثُمَّ أَلْصِقِ بَدْوَى... الشَّجَاعَةَ**

۱۳- پرهیز از خشم و غضب

از دیگر ویژگی های حاکم، اعتدال او در رفتار با مردم است؛ یعنی کنترل خشم و غضب و دست و زبان خود و این که به خاطر قدرت حاکمیت، به دیگران تعدی و تجاوز نکند. در این مورد در نامه خود به حارث همدانی می گوید: «خشم را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش و به هنگام خشم فروتن باش و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی» در همین زمینه در نامه به مالک اشتر می فرماید: «باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست و تندی زبانت را در اختیار خودگیر و با پرهیز از شتابزدگی و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم تو فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد، و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا» پس کنترل حاکم بر صفات شیطانی نفس، از جمله خشم و غضب، یکی دیگر از ویژگی های او می باشد.

۱۴- مخالف ظلم و حامی عدل و انصاف بودن

امام علی علیه السلام معتقد است حاکم باید طرفدار حق و انصاف و مخالف ظلم و تعدی باشد در این مورد می فرماید: «مالک بهترین امور در نزد تو باید متوسط ترین آن ها در حق (میانه روی در حق) و فراگیرترین آن ها در عدالت و جامع ترین آن ها در رضایت مردم باشد» و یا در جای دیگر می فرماید: «حق را برای هر کس که شایسته است از نزدیکان و بیگانگان اجرا کن و در انجام تکلیف، بردبار و شکیب باش.» در پرهیز از ظلم توصیه می نماید، از خونریزی به ناحق پروا داشته باش که اگر مراعات نگردد باعث نابودی و زوال حکومت می شود. در نامه خود به مالک اشتر می نویسد: «از خونریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق، کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند.»

حضرت در جای دیگری از فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می فرماید: «انصاف برقرار کن میان خدا و مردم، و خویشتن و دودمان خاص خود و هر کس از رعیت که رغبتی به او داری و اگر چنین انصافی را برقرار نکنی، مرتکب ظلم گشته ای و کسی که به بندگان خدا ظلم بورزد خصم او خداست از طرف بندگان و هر کسی که خدا با او خصومتی داشته باشد دلیلش را باطل سازد و او با خدا در حال محاربه است.»

۱۵- انجام اعمال نیک

یکی دیگر از مصادیق حسن شهرت حاکم و زمامدار، استمرار وی به انجام عمل نیک است و از جمله مصادیق آن کمک به مستمندان، فقرا و نیازمندان جامعه می باشد که امام علیه السلام، آن را از وظایف مستقیم حاکم می داند و در این مورد به مالک می فرماید: «ای مالک در بعضی کارها باید مستقیماً خودت دخالت کنی؛ آن کارهایی که بدون واسطه باید خودت آن ها را انجام دهی یکی رسیدن به امور مستضعفان است. در گوشه و کنار این کشور اسلام، افرادی هستند معلول، یتیمانی هستند که پدرشان در جبهه کشته شده، بیوه زنانی هستند که بی سرپرست مانده اند و افرادی هستند که از کار افتاده اند.»

۱۶- تقسیم پست ها بر اساس لیاقت و شایستگی

یکی از اهداف اساسی اسلام، برقرار کردن عدل و قسط در جامعه اسلامی است. در حکومت اسلامی، پست ها باید بر اساس شایستگی تقسیم شود و کارگزاران حکومت اسلامی از میان شایسته ترین و خدمتگزارترین افراد انتخاب شوند، کسانی که دارای فضائل و کمالات انسانی بوده و تخلق به "اخلاق الله" را آویزه گوش خود قرار دهند، افرادی که دانا، اندیشمند، امین، کاردان، توانا، با دقت و ابتکار و متواضع باشند، نیکان را دوست بدارند و از ستمگران بیزار باشند. امیرالمومنین علی علیه السلام در نامه خود به مالک توصیه می کند که شناخت خود از افراد را ملاک انتخاب آنان برای مناصب حکومتی قرار ندهد و این نکته را در نظر داشته باشد کسانی که در مصدر امور قرار می گیرند غالباً دوستان زیادی دارند که این دوستان گاهی به لباس زهد در می آیند و خود را برخوردار از اخلاق حسنه جلوه می دهند و به همین دلیل نیز امام علیه السلام به مالک توصیه می کند که بر اساس خوش بینی و اطمینان خود، معاونان خویش را انتخاب نکند. (هادیان)

حضرت علی (ع) در این خصوص خطاب به مالک می فرماید:

«پس در کارهای عمال و کارگردانان نظر و اندیشه کن و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی به کار وادار و آنها را به میل خود و کمک به ایشان و سرخود به کاری نفرست، زیرا به میل و سرخود کسی را به کاری گماشتن گرد آمده ایست از شاخه های ستم و نادرستی و ایشان را از آزمایش شدگان و شرم داران از خاندان های نجیب و شایسته و پیش قدم در اسلام بخواه و طمع های کمتر و اندیشه در پایان کارها را رساتر هستند.»

«آنگاه نیکوترین آنها را که بین مردم آشکار و درستکاتر آنها را که روشناس و در زبان هاشان باشد برگزین»

«و نامه های که در آنها تدبیرها و رازها بیان می کنی، تخصیص ده به کسی که در همه خواهی پسندیده از نویسندگان دیگر جامع تر باشد.»

«و برای هر کاری از کارهایت رئیس و کارگردانی از نویسندگان قرار ده که بزرگی کارها او را مغلوب و ناتوان نکند و بسیاری آنها او را پریشان نسازد.»

۱۷- حسن سابقه

علی(ع) معاویه را به خاطر سوء سابقه‌اش مورد سرزنش قرار داده فرمود تو لیاقت رهبری را نداری: «و متی کنتم یا معاویه ساسه الرعیه و ولاه امر الامه بغیر قدم سابق و لا شرف باسق» با توجه به ویژگی فوق است، که علی(ع) مالک‌اشتر را مخاطب قرار داده فرمود: «ان شر وزرائک من کان للاشرار قبلک وزیرا و من شرکهم فی الاثام فلا یکونن لک بطانه فانهم اعوان الاثمه و اخوان الظلمه و انت واجد منهم خیر خلف ممن له مثل آرائهم و نفاذهم و لیس علیه مثل آصارهم و اوزارهم، و آثامهم ... اولئک اخف علیک مونه و احسن لک معونه ...» بدترین وزرای تو کسانی هستند که برای جنایتکاران پیشین وزارت نموده و یا شریک جنایاتشان بوده‌اند، پس نباید اینان از یاران نزدیک تو باشند، آنها همکاران گنهکاران و برادران ستمکارانند، در حالی که تو می‌توانی جانشینان خوبی برای آنها بیابی، از کسانی که از نظر فکر و نفوذ کمتر از آنان نیستند، اما بار گناهان آنها را به دوش نمی‌کشند، هزینه این افراد بر تو سبکتر و همکاریشان با تو بهتر است.

۱۸- پاک‌ی و صلاحیت خانوادگی

پاک‌ی و اصالت و صلاحیت خانوادگی از جمله امور کلی است که حضرت علی(ع) در گزینش و انتخاب بر آن تأکید فرموده و آن را به عنوان میزانی در کنار سایر موازین مطرح نموده است. آن حضرت به مالک‌اشتر توصیه می‌نماید: «و از آنان که گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسا و صالحند و از سابقه ای نیکو برخوردارند، فرماندهان را برگزین»

۱۹- امانتداری

هر کس در هر جایگاه و مرتبه مدیریتی، امانتدار مردمان است و باید اموال و حیثیت و شرافت ایشان را پاسداری کند. امام علی(ع) به مالک‌اشتر در این باره سفارش می‌کند که درباره اشخاصی که می‌خواهد برگزیند بدین امر توجه نماید و با بررسی سوابق و عملکرد گذشته شان ببیند آیا اهل امانتداری بوده‌اند یا خیر.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه به مالک دستور می‌دهد:

«از این که به مردم وعده دهی و به انجام کاری متعهد شوی و سپس تخلف کنی، بپرهیز، چون خلف وعده و پیمان شکنی موجب خشم خدا و خلق است»

۲۰- مشورت

از دیدگاه علی(ع) نیز مشورت و بهره‌گیری از تجربیات دیگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانکه آن حضرت از تجربه به عنوان علم جدید یاد کرده است و از مشورت به عنوان مهم‌ترین پشتیبان «و فی التجارب علم مستانف»: «لا ظهیر کالمشاوره» با توجه به اهمیت مشورت است که علی(ع) یکی از وظایف مالک‌اشتر

رامشورت بیان کرده است. چنانچه آن حضرت مالک‌اشتر را به همنشینی و مذاکره با علما و حکیمان اسلامی امر می‌کند: «... و اکثر مدارس العلماء و مناقشه الحکماء فی تثبیت ما صلح علیه امر بلادک، و اقامه ما استقام به الناس قبلک» با دانشمندان و حکیمان، زیاد به بحث و مذاکره‌نشین، تا مصالح کشور را تثبیت کنی و اصول پایداری یک ملت را قوام بخشی.

نکته قابل ذکر آن است که از دیدگاه علی(ع) کارگزاران با هر کسی نباید مشورت‌کنند؛ به دلیل اینکه مشورت با برخی افراد در مسایل حکومتی نه تنها مفید نیست، بلکه زیان‌آور است. از این‌رو است که علی(ع) به مالک‌اشتر دستور می‌دهد که با علما و حکیمان متعهد مشورت کرده و از مشورت با برخی از افراد پرهیز کند. چنانکه آن حضرت فرمود: «و لا تدخلن فی مشورتک بخيلا يعدل بک عن الفضل و يعدک الفقر و لاجبانا يضعفک عن الامور و لا حرصا يزین لک الشره بالجور...» با بخیل مشورت نکن زیرا از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند. همچنین با افراد ترسو مشورت نکن زیرا آنها تو را از انجام کارهای مهم باز می‌دارند. و نیز با افراد حریص مشورت نکن که آنها برای جمع‌آوری ثروت و یا کسب مقام ستمگری را در نظر تو نیک جلوه می‌دهند.

۲۱- پرهیز از شتاب در امور

از ویژگی‌های مهم مسئولان و مدیران سعه صدر است، که حضرت امیر در این زمینه نیز به ملک چین می‌فرمایند:

«و در تصدیق و باور داشتن بدگو و سخن چین شتاب منما.»

۲۲- طرد چاپلوس و سخن چین

یکی از مواردی که باعث لغزش مدیران می‌شود، سخن چینی و بدگویی سخن‌چینان می‌باشد و اگر مدیری به این سخن‌چینی‌ها اهمیت دهد و بدون توجه به صحت و سقم آنها، اقدام به تصمیم‌گیری نماید، ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرمایند:

«در قبول سخن بدگویان شتاب مکن که سخن چین فریبنده است گرچه در جامه خیر خواهان درآید.»

حضرت علی(ع) در نامه خطاب به مالک‌اشتر می‌فرمایند: «پرهیزید از خودپسندی و از شگفتی در خویش و درباره صفتی از اوصاف خود که خوشایند توست. و پرهیز از این که دل‌بسته آن باشی که در ستایش تو از اندازه بگذرند همانا که بهترین فرصت شیطان در این احوال است تا نیکوکاری نیکوکاران را بر باد دهد.» همچنین آن حضرت در جای دیگری از همان نامه فرموده اند: «و باید کسانی نزد تو برگزیده تر باشند که بیش از همه در روی تو سخن تلخ بر زبان آورند و تو را در آنچه خدای بر دوستان خود نپسندد، کمتر یاری کنند. به اهل پرهیز و راستی پیوند و آنگاه آنان را چنان پرور که در ستایش تو از اندازه نگذرند و به باطل تو

را در کاری بزرگ که به تو نسبت دهند و تو آن کار را نکرده باشی، دلشاد نسازند، چه زیاده روی در ستایش، در دل خود بینی پرورد و آدمی را به تکبر در آورد.»

۲۳- گذشت و پرهیز از انتقام جویی

«از مردم گره هر کینه را بگشا و از خود رشته هر انتقام و بازخواستی را جدا کن.»

ب- روش برخورد با مردم

۱- مهربانی با مردم

حضرت در نامه به مالک اشتر می فرماید: «مهربانی و خوش رفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده و مبادا نسبت به ایشان جانور درنده بوده خوردنشان را غنیمت دانی که آنان دو دسته اند: یا با تو برادر دینی اند و یا در آفرینش مانند تو هستند.»

«و هرگز از بخشش و گذشت پشیمان و به کیفر شاد مباش»

«و رسیدگی کن به یتیمان و پیران سالخورده که چاره‌ای ندارند.»

«پس از خدا بترس، از خدا بترس درباره دسته زیر دستان درمانده و بیچاره و بی چیز و نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری و ناتوانی.»

و در جای دیگر به مالک می فرماید: «پر و بالت را برای رعیت بگستران، با مردم گشاده روی فروتن باش...»

۲- سخاوت و بخشش‌گری

«و هرگز از بخشش و گذشت پشیمان و به کیفر شاد مباش»

این نکته نیز حائز اهمیت است که مردم به مقتضای طبع بشری و آمال و آرزوهایشان، هرگاه به آنچه که می‌خواهند نائل نشوند، معمولاً مجریان حکومت را مسئول محرومیت‌ها و ناکامی‌های خود می‌پندارند و آنان را مقصر می‌شناسند و گمان می‌کنند وظیفه حکومت است که همه خواست‌های آنان را جامه عمل بپوشاند و برآورده سازد و هنگامی که با برآورده نشدن تمام خواسته‌هایشان مواجه می‌شوند، نسبت به حکومت و مجریان آن عداوت و کینه و دشمنی پیدا می‌کنند و بدین وسیله پایه‌های حکومت تضعیف می‌شود. و در اینجا وظیفه حاکم است که اگر چه نمی‌تواند به همه خواست‌های مردم جامه عمل بپوشاند اما با گره‌گشایی و پیروی از اخلاق اسلامی، مردم را با کمبودها آشنا سازد و در صدد جلب رضایت مردم برآید. و با همین حکمت و فلسفه، امام علیه السلام از مالک می‌خواهد که با مردم رابطه برقرار کند و از آنها فاصله نگیرد، و

احتجاج حاکم از مردم را باعث گمراهی و بی‌اطلاعی او از حقایق جامعه و ایجاد شک و تردید و بی‌اعتمادی در جامعه می‌داند و می‌فرماید: «مبادا مدت طولانی از مردم فاصله‌گیری، زیرا احتجاج حکام از مردم خود نوعی تنگنا و باعث بی‌اطلاعی از حقایق است و باعث بی‌اطلاعی مردم از واقعیت جریان کارها می‌شود، و این حالت عدم آگاهی موجب تلبیس حق و باطل و درشت و کوچک جلوه یافتن امور بزرگ، و بزرگ جلوه‌گر شدن مطالب ناچیز و کوچک می‌گردد.»

«و آنچه می‌بخشی به خوشرویی ببخش.»

۳- خوش بینی نسبت به دیگران

خوش بینی نسبت به مردم باعث می‌شود تا مدیران با مهر و سعه صدر بیشتر با مردم رفتار نمایند و سخت‌گیری بی‌مورد ننمایند. امام علی(ع) در نامه ۵۳ به جناب مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ عاملی بهتر و قوی‌تر از نیکی به رعیت و سبک ساختن هزینه‌های آنان و ترک تحمیل بر دوش آنان نیست پس باید در این باب کار کنی که خوش بینی به رعیت را بدست آوری.» سپس در ادامه می‌فرماید: «زیرا خوش بینی رنج بسیار را از تو دور می‌سازد.»

۴- عیب پوشی و پرهیز از عیب جویی

امام علی(ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن‌ترین آنان در نزد تو، کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است. زیرا در مردم عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب‌های مردم آنچه از نظرت پنهان است، مخواه که آشکار شود، زیرا آنچه بر عهده توست، پاکیزه ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است، داوری کند. تا توانی عیب‌های دیگران را بیوشان، تا خداوند عیب‌های تو را که خواهی از رعیت مستور بماند، بیوشاند. و از مردم گره هر کینه‌ای را بگشای و از دل بیرون کن و رشته هر عداوت را بگسل.»

۵- پرهیز از منت‌گذاری و امتیاز بر مردم

«و پرهیز از اینکه بر رعیت به نیکی که می‌کنی منت‌گذاری یا کاری که انجام می‌دهی بیش از آنچه هست در نظر آری، زیرا منت‌نهادن احسان را بی‌نتیجه می‌گرداند و کار را بیش از آنچه هست پنداشتن، نور حق را می‌زداید.»

«و باید نیکویی که درباره آنان نموده و آنها را به آن توانا ساخته‌ای نزد تو بزرگ نیاید.»

«و پرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که بهره همه مردم در آن یکسان است.»

۶- محبت و دلسوزی نسبت به فقرا

امام علی (علیه السلام)، هم خود یار و مددکار فقرا و محرومان بود و هم افرادی را با این ویژگی پرورش داد. دستورات آن حضرت به مجریان و مدیران ارشد حکومت در آن روز، حاکی از اهتمام ایشان به فقرستیزی و تأمین اجتماعی است؛ چنان که خطاب به مالک می فرماید:

«ای مالک! درباره طبقه پایین از مردم جامعه، که چاره ای ندارند و در فقر و تنگ دستی زندگی می کنند، خدا را فراموش نکن. آنها عبارتند از: بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمین گیر شدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر در نظر بگیر.»

از این توصیه علی (علیه السلام) به مالک نسبت به فقرزدایی از جامعه بر می آید که حمایت از فقرا و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است و برای تحقق آن، باید تلاش کرد: زیرا فقر و کمبود اقتصادی عامل بروز بسیاری از مشکلات، از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است.

۷- فروتنی و تواضع حاکم نسبت به مردم

حاکم اسلامی در دید امام علی علیه السلام باید نسبت به مقامش حالت امانت دار، و در برابر مردم فروتنی و تواضع داشته باشد. در این مورد به مالک اشتر می فرماید: «بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می سازد...» در جای دیگر به مالک می نویسد: «اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر که تو را از سرکشی نجات می دهد...»

۸- صداقت با مردم و قانون مداری با آن ها

امام علی علیه السلام در سیره عملی و نظری خود تأکید داشتند حاکم باید با صراحت و صداقت با مردم برخورد نماید و براساس همین اخلاق سیاسی بود که چون آن حضرت زمام امور را در دست گرفت در نخستین خطبه حکومتی خود به مردم فرمود: «پیمان من بدانچه می گویم در گرو است و به درستی گفتارم متعهد و متکلفم»

در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «و هر گاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش خواهی تو آنان را به حق و امانت می دارد»

۹- پرهیز از فاصله گرفتن از مردم و تشریفات

«و پاره‌ای از وقت خود را برای نیازمندان از خود قرارده که در آن وقت خویشتن را برای ایشان آماده ساخته، در مجلس عمومی بنشینی.»

همچنین امام علی(ع) می‌فرماید:

«مبادا غیبت تو در میان مردم زیاد شود.»

شریف رضی آورده است:

«و چون دهقانان انبار هنگام رفتن امام علی(ع) به شام او را دیدند برای وی پیاده شدند و پیشاپیش دویدند، فرمود این چه کار بود که کردید، گفتند عادت است که داریم و بدان امیران خود را بزرگ می‌شماریم. فرمود به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیایتان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتان بدبخت می‌شوید و چه زیانبار است رنجی که کیفر در پی آن است و چه سودمند است آسایشی که با آن از آتش در امان است.»

۱۰- گذشت و پرهیز از انتقام جویی

«از مردم گره هر کینه را بگشا و از خود رشته هر انتقام و بازخواستی را جدا کن.»

۱۱- دیر خشم بودن

کسانی که دارای مقام و منصب هستند هر لحظه ممکنست که نیروی خشمشان طغیان کند و آنان را از حالت طبیعی و اعتدال خارج نماید و با کارکنان با حالت خشم و غضب برخورد کنند و پیش آمدهای ناگواری رخ دهد که هم برای فرد و هم برای سازمان و جامعه مضر باشد. لذا لازمست که صاحبان مقام و منصب و مدیران دارای قدرت تسلط بر خشم و کظم غیظ باشند. امیرالمؤمنین(ع) در نامه به مالک اشتر فرموده اند: «آن کس را فرمانده لشگریان نما که از همه در علم و بردباری بالاتر باشد و از کسانی باشد که خشم او را فرا نگیرد و به زودی از جای خود بدر نرود.»

«هنگام افروختگی خشم و تیزی سرکشی و حمله با دست و تندی و زشتگویی زبانت، بر خود مسلط باش.»

«و به خشمی که می‌توانی مرتکب نشوی شتاب منما، مگو من مأمورم و امر می‌کنم پس باید فرمان مرا بپذیرند و این روش سبب فساد و خرابی دل و ضعف و سستی دین و تغییر و زوال نعمت‌ها گردد.»

۱۲- مبارزه با مظاهر فساد در جامعه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در جمله «فَأَنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ»؛ مالک را به مبارزه با مظاهر فساد و آلودگی و جلوگیری از فحشا و منکرات در جامعه فرامی‌خواند، دشمن همواره می‌خواهد با از بین بردن

عفت و پاکدامنی و اشاعه فساد در جوامع اعم از اسلامی و حتی غیراسلامی، ملت‌های مستضعف را از روح پاک‌ی و معنویت جدا ساخته و آنان را چنان آلوده کند و به "از خود بیگانگی" و فساد بکشد تا سرانجام در عمق منجلاب دست‌های آلوده استعمار فرو روند.

ج- روش برخورد با خویشاوندان:

متاسفانه یکی از مشکلاتی که در سیستم‌های اداری شاهد آن هستیم ناشی از یکسری ارتباطات خانوادگی است که در بسیاری موارد موجب ضایع شدن حقوق دیگران یا محروم شدن آنها از یکسری امور می‌شود. آنچه که ما در سیستم اداری از آن به عنوان «پارتی بازی» یاد می‌کنیم و متاسفانه موج شدیدی از نارضایتی‌ها را با خود همیشه به دنبال دارد. حضرت علی علیه السلام با نهایت دقت و صرافت به این موضوع نیز توجه فرموده و در این زمینه نیز، در این نامه در مورد نزدیکان و خویشاوندان به مالک می‌فرماید: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند. ریشه‌ی ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند ... حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور بپرداز و در این کار شکیباش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را با یاد قیامت بر خود هموار ساز، زیرا تحمل آن پسندیده است.»

شناخت اقشار گوناگون اجتماعی:

از دیگر مصادیق علم حاکم را باید شناخت جامع او از دنیای زمان خود و مسائل آن و تخصص‌های مختلفی دانست که در اقشار جامعه نیاز می‌باشد؛ تخصص‌هایی که مردم آن‌ها را آموزش می‌بینند و باید برای بهتر اداره کردن حکومت، به طور متعادل و مناسب از آن‌ها استفاده گردد. در این مورد امام علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک بدان که مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستری، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت‌کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند که خداوند برای هر یک سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است.»

پس سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های امنیت کشورند. امر مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز با خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود... سپس سپاهیان و مردم جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند و آن چه را که به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان و

صاحبان صنایع نمی توانند دوام بیاورند زیرا آنان وسایل زندگی را فراهم می آورند و در بازار عرضه می کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست خود می سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین نیازمندان و مستمنداند که باید به آن ها بخشش و یاری کرد.»

از عبارات فوق لزوم شناخت و توجه حاکم به تمام تخصص ها، شناخت کارایی آن ها و به کارگیری آن ها مستفاد می گردد که می توان جزو بخشی از علم حاکم تلقی نمود. (بصیری، ۱۳۸۹)

حضرت در مورد نظامیان این چنین به مالک سفارش می فرمایند که: « برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و امام تو بیشتر، و دامن او پاکتر، شکیبایی او برتر باشد. از کسانی که دیر به خشم می آید و عذر پذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده های ریشه دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابق نیکو و درخشان که دلاور و سلحشور و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کن ... پس آرزوهای سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده اند برشمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می انگیزاند و ترسوها را به تلاش وا می دارد.»

از آن جا که رهبر نمی تواند همه کارهای حکومت را شخصا انجام دهد به افراد مورد اعتماد، که به عنوان واسطه کارها را انجام دهند نیاز دارد و او باید بر آن ها نظارت مستمر داشته باشد. این افراد باید مؤمن و متقی کامل و دارای خصوصیات تخصصی اجرایی نیز باشند. امام علیه السلام در این رابطه به مالک اشتر می گوید: «... برای هر یک از کارهایت سرپرستی که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد و فراوانی کار او را درمانده نسازد، بگمار و بدان که هر گاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تو بی خبر باشی خطرات آن دامنگیر تو خواهد بود.»

امام علیه السلام در مورد انتخاب قاضی نیز چنین توصیه می نمایند: «... سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن کسانی که مراجعه فراوان، آن ها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد...»

امام علیه السلام برای انتخاب کارمندان و منشیان توصیه های مشابه و کنترل و نظارت آشکار و پنهان حاکم بر آن ها را مطرح می نمایند و می فرمایند: «سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و بامیل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان های پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن. زیرا اخلاق آنان گرمی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمع و ورزیشان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و

وفاپیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد شد.»

و در مورد نویسندگان می فرماید: «سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش و کارهایت را به بهترین آنان واگذار کن و نامه های محرمانه را، که در بردارنده سیاست ها و اسرار تو است، از میان نویسندگان به کسی واگذار که صالح تر از دیگران باشد کسی که گرمی داشتن او را به تجاوز و سرکشی نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند و در رساندن نامه کاغزارانت به تو و رساندن پاسخ های تو به آنان کوتاهی نکند...».

حضرت در مورد رسیدگی به محرومان و مستضعفان نیز به مالک این چنین سفارش می فرماید: «سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره ای ندارند ... پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است ... مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسوولیت های کوچکتر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند...».

از سوی دیگر حضرت در مورد مالیات دهندگان نیز می فرماید: «مالیات و بیت المال را به گونه ای واریس کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی (امور) مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگان. باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی گردد و آن کسی که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد شهرها را خراب و بندگان را نابود می سازد و حکومتش جز اندک مدتی دوام نمی آورد»

بنابراین از دیدگاه امام علیه السلام یک حاکم لازم است بهترین کارگزاران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... را برگزیند و نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر آنان و ارزیابی دائم از عملکرد آن ها داشته باشد تا موفق گردد.

اصول روابط اجتماعی مدیران:

حضرت علی علیه السلام در این زمینه نیز سفارشات ارزشمندی را به مالک اشتر دارند از جمله:

« تا می توانی با پرهیزکاران و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند و تو را بر اعمال زشتی که انجام نداده ای، تشویق نکنند. هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می شوند.»

«هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند نمی باشد»

«آداب پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن عمل کرده و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شده بر هم مزن، و آدابی که به سنت های خوب گذشته زیان وارد می کند پدید نیاور»

«با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه ی آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشته است»

ویژگی های مدیران به عنوان تصمیم گیرندگان از دیدگاه حضرت علی (ع)

امام علی (ع) در نامه ۵۳ خود به مالک به نقل از فیض الاسلام موارد زیر را برای ویژگی های مدیران به عنوان تصمیم گیرندگان بیان کرده اند:

۱- شناسایی وضع و شرایط موجود

در این مرحله مدیر باید از وضعیت و موقعیت سازمان تحت امر خود دائماً اطلاع داشته باشد و آنچه که اهمیت دارد را مشخص سازد. آنچه که امام علی (ع) در این مرحله به آن توجه دارند، نقش خود مدیر در کسب اطلاعات از وضعیت موجود و مسئله یابی می باشد. یعنی با استفاده از تجربه خود از راههای غیر رسمی و نه رسمی به بررسی وضع سازمان بپردازد و به وجود مسئله ای پی ببرد. حضرت علی (ع) درباره انجام دادن هر کاری در زمان خود می فرمایند:

«پس هر چیز را به جای خود بگذار و هر کاری را در وقت آن انجام ده»

۲- ارائه راه حل های مختلف

بعد از اینکه مدیر در قسمت نخست با تعیین هدفها و بررسی وضع موجود، مشکل و مسئله ای را مورد شناسایی قرار داد و پی به وجود شرایط نامطلوب سازمان برد، وظیفه او ایجاب می کند تا در حل آن مشکل بکوشد. از ابعاد مختلف ممکن است راهکارهایی را مشخص سازد یا به تنهایی به آن دسترسی پیدا کند، یا با مشورت مشاوران و اعضای سیستم جهت حل این مسئله به آن برسد. حضرت علی (ع) در این مرحله به مشورت با دانایان اشاره می کنند و می فرمایند:

«و درباره استوار ساختن آنچه کار شهرهای تو را منظم می گرداند و بر پا داشتن آنچه مردم پیش از تو برپا داشته بودند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با راستگویان و درست کرداران گفتگو کن.»

سفارش حضرت علی (ع) به هم نشینی با حکما به خاطر افزون دامنه علم و حکمت مدیر است تا در مواقع حساس تصمیم گیری از اطلاعات و دانش بیشتری برخوردار باشد.

۳- ارزیابی راه‌حل‌ها و گزینش بهترین‌ها

در این مرحله مدیر موظف است از بین انبوه راهکارهای ارائه شده جهت حل مسئله یکی را انتخاب کند، اما اینکه با چه ملاکی دست به چنین انتخابی بزند به عوامل متعددی بستگی دارد. در این مرحله امام علی(ع) خطاب به مالک به بیان معیار جهت انتخاب یک گزینه پرداخته‌اند و با توجه به نظام ارزشی اسلام که مبتنی بر خدا محوری و حق طلبی است می‌فرمایند که باید توجه مدیر به حق محوری و حق‌مداری باشد و در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشاره می‌کنند که باید توجه تو به گسترش عدالت و حق‌مداری باشد.

۴- اجرا و پیگیری

بعد از اینکه با ملاک‌های مشخص شده یک گزینه انتخاب شد، نوبت به اجرای آن می‌رسد. نکاتی که مدیر باید در این مرحله مورد توجه قرار دهد عبارت است از:

الف - اجرا فوری باشد.

حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرمایند:

«و بترس از شتابزدگی به کارها پیش از رسیدن هنگام آنها یا دنبال‌گیری و سخت‌کوشی در آنها هنگام دسترسی به آنها یا از ستیزگی در آنها وقتی که سررشته ناپیدا باشد یا از سستی در آنها چون در دسترس آید.»

ب - مجریان خوبی انتخاب کند.

امام علی(ع) خطاب به مالک می‌فرمایند:

«پس از آن در حال نویسندگان بنگر و بهترین ایشان را به کارهایت بگمار»

ج - نظارت همه جانبه داشته باشد تا بتواند پاداش دقیق و مناسب بدهد.

«پس در کارهایشان کاوش و رسیدگی کن»

«و در کار خراج به صلاح دهندگان کنجکاوی کن.»

د - جهت نظارت و ارزیابی کار مجریان، نمایندگان ویژه داشته باشد.

امام علی(ع) در این خصوص می‌فرمایند:

«پس در کارهایشان کاوش و رسیدگی کن و بازرس‌های راستکار و وفادار بر آنان بگمار.»

ه - مجازات فرد خاطی و خیانتکار

حضرت امیر(ع) در این خصوص می‌فرماید:

«و خود را از یاران دور دار و اگر یکی از ایشان به خیانت و نادرستی دستش را بیالاید و خبرهای باز رسانت به خیانت او گرو آید به گواهی همان خبرها اکتفا کن، پس باید او را کیفر بدنی بدهی و او را به کردارش بگیری.»

و- اگر تصمیم غلطی گرفته بود باید از مردم عذر خواهی کند.

حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«و اگر رعیت به تو گمان ستمگری را بردند، عذر و دلیلت را برای ایشان آشکار کن و گمان‌های آنها را با آشکار کردن از خویشان دور نما.» (سیادت، ۱۳۸۵)

نتیجه:

در نهایت با مطالعه این نامه نتیجه می‌گیریم که حضرت علی علیه السلام در این نامه تمام شرایط لازم را برای کارگزار یک جامعه اسلامی مطرح نموده اند که بهترین معیارها برای گزینش کارگزاران در زمان حال خواهد بود. هر چند بهترین حاکم امام معصوم علیه السلام است که ویژگی‌های او از طریق خدا برای او پدید آمده و با ارتباط دائم با آن منبع، به بهترین وجه می‌تواند به اداره حکومت اقدام نماید، ولی در زمان غیبت امام علیه السلام فردی می‌تواند جانشین او در این منصب گردد که بیشترین ویژگی‌های معصوم در او تجلی عملی یافته باشد. مجموع ویژگی‌های مطرح شده در این نامه، از دید امام علی علیه السلام عمده ترین صفات برای حاکم است گرچه شاید بتوان ویژگی‌های دیگری از میان مجموعه مباحث و عملکرد ایشان به آن‌ها افزود. پس ما با در دست داشتن منابع این چنین ارزشمند می‌توانیم با نهایت قدرت در راه اصلاح سیستم گزینش افراد در جامعه گام برداریم و تمام تلاش خود را برای ساختن ایران اسلامی فراهم آوریم.

«امروز آشکارترین و روشن‌ترین حقایق اسلامی به وسیله بخشی از مدعیان اسلام در کشورهای اسلامی نادیده گرفته می‌شود. امروز همان روز است که شعارهای یکسان است، اما جهت‌گیری‌ها به شدت مغایر یکدیگر است. امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمومنین علیه السلام است. پس روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمومنین علیه السلام به واقعیت‌های جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج آن را پیدا کرد. لذا امروز از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم. زیرا ما امروز در همان شرایط قرار داریم.» (بیانات مقام معظم رهبری، ص ۲۳-۲۵)

امید است علما و اندیشمندان مسلمان و نیز رسانه‌های گروهی جامعه اسلامی، در این شرایط حساس زمانی که بیش از هر زمان، عطش پذیرش معارف اسلامی، در همه کشورها مشهود است، به تلاش بیشتری پرداخته و نهج البلاغه را با توجه به مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه امروز مطالعه و بررسی کرده، راه عمل و درمان دردها را از این کتاب شفابخش بیابند و ابعاد معارف آن را برای جوانان مطرح نمایند تا نسل آینده بیش از پیش به جامعه مطلوب حضرت امیر علیه السلام نزدیک شوند.

منابع:

کتاب:

- ۱- دلشاد تهرانی؛ مصطفی، دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی(ع)، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۷۹
- ۲- ذاکری؛ علی اکبر، مدیریت و سیاست، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰
- ۳- فاضل لنکرانی؛ محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹
- ۴- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، تابستان ۱۳۸۴، نامه ۵۳
- ۵- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۹۶-۹۹۵

مقالات:

- ۱- بصیری؛ محمدعلی، ویژگی های حاکم در سیره نظری و عملی امام علی(ع)، مجله هنری دینی، شماره ۹، ۱۳۸۹
- ۲- رحمانی؛ محمد، ملاک های گزینش کارگزاران در حکومت علوی، مجله حکومت اسلامی، ۱۸، ۱۳۷۹:۲۱۴
- ۳- سیادت؛ سید علی، بررسی ویژگی های مدیران و مهمترین راهکارهای اجرایی در ایجاد انگیزه و کارایی در کارکنان از دیدگاه امام علی(ع)، مجله دانشکده علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۶۰، ۱۳۸۵
- ۴- قسمتی از بیانات مقام معظم رهبری؛ مباحث و مقالات کنگره بین المللی نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۸
- ۵- نصیری؛ علی، سیره سیاسی امام علی علیه السلام، مجله حکومت اسلامی، ۳۱، ۱۳۸۴:۱۵۷

سایت ها:

الف) سایت جامع پروتال اهل بیت: (عناوین مقالات استفاده شده از سایت مذکور)

- ۱- آقاجانی؛ آرش، تبیین ویژگی های مدیران از دیدگاه حضرت علی(ع)
- ۲- احسانی؛ محمد، معیارهای انتخاب کارگزاران در سیره ی امام علی(ع)
- ۳- جعفری؛ محمدتقی، سیاست و علی(ع)
- ۴- ذاکری؛ علی اکبر، اصلاح ساختار اداری در حکومت علوی
- ۵- هادیان؛ الهه، اصول و شیوه های حکومت اسلامی در آینه کلام امام علی(ع)